

تاریخ :

شماره :

پیوست :

بسمه تعالی

همه امتیازات این پایان نامه به دانشگاه لرستان تعلق دارد. در صورت استفاده از تمام یا بخشی از مطالب در مجلات، کنفرانسها یا سخنرانیها، باید نام دانشگاه لرستان (یا استاد یا اساتید راهنمای پایان نامه) و نام دانشجو با ذکر مأخذ و ضمن کسب مجوز کتبی از دفتر تصحیلات تکمیلی دانشگاه ثبت شود. در غیر این صورت مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

نشانی: کیلومتر ۵ جاده خرم آباد - تهران، سازمان مرکزی دانشگاه لرستان. تلفن: ۴۶۰۰۱۰۶ - ۴۶۰۰۰۹۷ - ۴۶۰۰۱۰۴ نمابر ۴۶۰۰۱۰۴

www.lu.ac.ir



دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان‌نامه‌ی دوره‌ی کارشناسی ارشد

عنوان

مقایسه‌ی تطبیقی جایگاه زن در اشعار ژاله قائم مقامی با ژاله اصفهانی

نگارش

فاطمه امیدی مفرد

استاد راهنما

دکتر طاهره صادقی تحصیلی

استاد مشاور

دکتر محمدرضا حسنی جلیلیان

پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

بهمن ۱۳۹۳

تقدیم با بوسه بر دستان پدر و مادرم:

خدای را بسی شاکرم که از روی کرم پدر و مادری فداکار نصیبم ساخته تا در سایهٔ درخت پر بار وجودشان بیاسایم و از ریشه آنها شاخ و برگ برگیرم و از سایهٔ وجودشان در راه کسب علم و دانش تلاش نمایم، پدر و مادری که بودنشان تاج افتخاری است بر سرم و نامشان دلیلی است بر بودنم، چرا که این دو وجود پس از پروردگار مایهٔ هستی‌ام بوده، دستم را گرفتند و راه رفتن را در این وادی زندگی پر از فراز و نشیب آموختند.

چکیده

در این پایان‌نامه سعی بر این است تا نگرش زن ژاله قائم‌مقامی و ژاله اصفهانی نسبت به زن بررسی گردد. در این پژوهش ابتدا مباحثی به مفاهیم، کلیات و تعاریف جایگاه زن در تاریخ ادب فارسی اختصاص داده شده و سپس به معرفی دو شاعر و آثار آنها پرداخته شده است. فرایند پژوهش نشان داد که وجوه افتراق و اشتراکی در زمینه نگرش آنها به زن وجود دارد. از وجوه اشتراک آنها می‌توان به دفاع از حقوق زن، تکریم شخصیت زن، امید به بهروزی زنان، احترام به مقام مادر، تشویق و ترغیب زنان به سمت آزادی، ترجیح عشق بر زر و زیور دنیا، تشویق به سوادآموزی و آگاهی اشاره کرد و از وجوه افتراق به مواردی چون: مردستیزی و شوهرستیزی، اعتراض به پدر و مادر و سرزنش و بدگویی از زن در اشعار قائم‌مقامی اشاره کرد، در حالی که در اشعار اصفهانی به علت زندگی در کشورهای اروپایی و تأثیر جریان روشن‌فکری و سازگاری و توفیق در زندگی مشترک به این موارد اشاره نشده است.

واژگان کلیدی: ادبیات تطبیقی - زن - ژاله اصفهانی - ژاله قائم‌مقامی

صفحه	فهرست
۱	فصل اوّل (کلیات و مفاهیم تحقیق)
۵	فصل دوّم (نگاهی به شعر زن در ادبیات معاصر)
۱۲	فصل سوّم (بررسی احوال و آثار قائم مقامی)
۱۳	۳-۱- زندگی نامه عالمتاج قائم مقامی
۱۷	۳-۲- ویژگی شعر عالمتاج قائم مقامی
۲۵	۳-۳- تحلیل اشعار عالمتاج قائم مقامی در مورد زن
۶۷	فصل چهارّم (بررسی احوال و آثار ژاله اصفهانی)
۶۸	۴-۱- زندگی نامه ژاله اصفهانی
۷۳	۴-۲- ویژگی شعر ژاله اصفهانی
۷۶	۴-۳- آثار ادبی ژاله اصفهانی
۸۰	۴-۴- تحلیل اشعار ژاله اصفهانی در مورد زن
۹۴	فصل پنجم (مقایسه اشعار دو شاعر در مورد زن)

۱۰۳	۵-۱-وجوه اشتراک دو شاعر در مورد جایگاه زن
۱۱۴	۵-۲-وجوه افتراق دو شاعر در مورد جایگاه زن
۱۲۶	۵-۳-مقایسه سبک زنانه دو شاعر
۱۲۸	فصل ششم (نتیجه گیری)
۱۳۱	فهرست منابع و مآخذ

فصل اول

کلیات و مفاهیم تحقیق

۱-۱ کلیات

۱-۱-۱ بیان مسأله:

ژاله قائم‌مقامی و ژاله اصفهانی هر دو از شاعران معاصرند و هر دو ناکامی‌های خود را به صورت شعر نگاشته‌اند. ژاله قائم‌مقامی در اشعارش به موضوعاتی از قبیل مظلومیت و دفاع از حقوق زن، انتقاد از جهل و عقب‌ماندگی زنان و تحلیل موجبات آن می‌پردازد.

ژاله اصفهانی سرگذشت خود را در کتاب «سایه‌ی سال‌ها» نوشته است و در آن به نابرابری‌هایی که در جامعه وجود داشته مثل: نابرابری‌های دختر و پسر، زن و مرد، فقیر و غنی اشاره می‌کند.

ژاله قائم‌مقامی نوعی ادبیات زنانه را آغاز کرد که پیش از او سابقه نداشت او به سلیقه مردان ننوشت و از آنها تقلید نکرد و با حدیث نفس و فردیت زنانه‌اش زبان زنانه‌ای آفرید که نقش آرزوهای بی‌پرده یک زن بر صفحه کاغذ بود. اشعارش رنج‌نامه و تجربه‌های اندوه‌بار یک زن است که گاه با خود و گاه با دوستی صمیمی و خیالی درد و دل می‌کند. شعر او بیان درونی احساس و عاطفه و مشکلات فردی اوست، او چیرگی مرد بر زن در اجتماع و حقارت و ضعف زن در برابر مرد دید و از زنان خواست برای آزادی خود کوششی کنند:

شهره‌ستی جان من جز عرصه ناورد نیست

دست و پای، همتی، شوری، قیامی، کوششی

آنچه زن را هست زان بیشتر در مرد نیست

آخر ای زن جنبشی کن تا ببیند عالمی

(قائم‌مقامی، ۱۳۴۵: ۵)

هر دو شاعر به موضوع زن و مشکلات مربوط به زن توجه داشته‌اند اما توجه و تجلی این موضوع در آثار قائم‌مقامی بیش از ژاله اصفهانی است.

مسأله اصلی در این تحقیق آن است که دو شاعر یاد شده تا چه حد به موضوعات زنانه پرداخته-
اند و هریک تا چه حد زبان، لحن، احساس و موقعیت زنانه را در شعرشان منعکس کرده‌اند.

۱-۱-۲-سوالات تحقیق: (شامل سؤال اصلی و سوالات فرعی)

۱-۱-۲-۱-سؤال اصلی: نگرش دو شاعر نسبت به زن چگونه است؟

۱-۱-۲-۲-سؤال فرعی: بازتاب این نگرش در زبان هنری آنان چگونه است؟

۱-۱-۳-فرضیات تحقیق: (فرضیه اصلی و فرضیه فرعی)

۱-۱-۳-۱-فرضیه اصلی :

هر دو شاعر در دیوان اشعارشان به موضوع زن و مشکلات او در جامعه پرداخته‌اند هر چند دیدگاه
آنان متفاوت است.

ژاله قائم‌مقامی در زندگی شخصی و جامعه با تمام وجود مظلومیت زن و نابرابری زن و مرد را
احساس کرده و دردهای خود را در اشعارش زمزمه کرده است، اما از آنجا که ژاله اصفهانی بیشتر
دوران زندگی خود گرفتار سفرهای اجباری بوده و همچنین درد دوری از وطن او را می‌آزده است
کمتر به موضوع زن و مشکلات زنان در شعرش پرداخته است.

۱-۱-۳-۲-فرضیه فرعی:

بازتاب این نگرش در زبان هنری ژاله قائم‌مقامی بیش از ژاله اصفهانی است. در شعر ژاله قائم-
مقامی واژه‌های زنانه و نگاه، لحن، زبان، مسائل، اشیاء زنانه نسبت به ژاله اصفهانی بیشتر به کار
گرفته شده است و حتی جمله‌بندی شعری او با روحیات یک زن بیشتر پیوند دارد.

۱-۱-۴-پیشینه موضوع و سوابق مربوط:

با توجه به موضوع پایان‌نامه که مقایسه نگرش دو شاعر درباره زن (ژاله قائم مقامی و ژاله اصفهانی) است تاکنون هیچ کتابی به طور خاص و مستقل به این موضوع پرداخته است، هر چند در نوشته‌ها به طور مجزا به مضامین اشعار این دو شاعر پرداخته شده است اما در جستجوی کتابخانه‌ای اثری که نگرش این دو شاعر را در مورد زن بررسی کرده باشد دیده نشد.

۱-۱-۵- ضرورت و اهداف تحقیق:

با توجه به این که دو شاعر از شاعران معاصر هستند ممکن است برای افراد زیادی ناشناخته باشند و این گونه تحقیقات باعث شناخت هر چه بیشتر افکار و اندیشه‌های این دو شاعر می‌شود.

هدف در این پایان‌نامه مقایسه نگرش این دو شاعر در مورد زن است.

۱-۱-۶- روش تحقیق و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات:

روش تحقیق در این پایان‌نامه توصیفی-تحلیلی است.

۱-۱-۷- روش و ابزار گردآوری اطلاعات: (پرسشنامه، مصاحبه، مشاهده، آزمون، فیش و...) و

(کتابخانه‌ای میدانی...)

روش گردآوری در این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و فیش‌برداری است و ابزار گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ها و سایت‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی است.

فصل دوم

نگاهی به شعر زن در ادبیات

معاصر

مقدمه:

در تاریخ ادبیات ایران، زنان به دلایل متعددی (که ذکر آن در این مجمل نمی‌گنجد) در عرصه ادب و فرهنگ کم‌تر درخشیده‌اند. «پیشینه‌ی تاریخ مردسالار و زیربنای فرهنگی جامعه کمتر به عنوان هویتی مستقل و صاحب اندیشه، جدی گرفته شده است.» (احمدی، ۱۳۸۴: ۹) با این همه همزمان با رودکی (پدر شعر سنتی) رابعه قزداری، در قرن ششم مهستی و در قرن هشتم جهان‌ملک‌خاتون توانسته‌اند نام خود را در اوراق تاریخ ادبیات به ثبت برسانند.

«از دیرباز طبعاً پیش از قرن دهم هجری تاریخ ادبیات فارسی از چهره‌های زنان شاعر بی‌نصیب نبوده است، اما به هر دلیل در تذکره‌ها تا به رابعه بنت کعب برسیم نشانی از شعر این زنان دیده نمی‌شود، از این‌رو رابعه را نخستین شاعر زن بعد از اسلام و معاصر آل‌سامان و رودکی دانسته‌اند.» (باباچاهی، ۱۳۸۶: ۱۸)

حال اگر به اشعار شاعران از دیرباز تا حال بنگریم می‌بینیم که زنان در اشعار گذشته جایگاهی نداشتند بسیاری از شاعران بزرگ گذشته، گذشته از اشعار عاشقانه و بعضی اشعار حماسی که تا

حدودی در آن اشعار ستایش زن را می‌بینیم اشعار دیگر مثل اشعار ناصر خسرو، سعدی، نظامی و... به زن به عنوان موجودی مکار و جادوگر و ناقص‌العقل و این‌که نباید در امور با زن مشورت کرد و... نگاه شده است.

«در شعر کلاسیک و آثار گذشتگان از زن تصاویر گوناگونی ارایه شده است، از جمله منظومه‌های عاشقانه همچون: خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، ویس و رامین و... که زن در آن محور اصلی کلام و روح عاطفی و غنایی شعر بوده است و یا در آثاری چون شاهنامه فردوسی (فرنگیس، منیژه و...) و گرشاسب‌نامه اسدی طوسی و دیگر آثار غیر غنایی که زن بیشتر جنبه تکمیلی، تزئینی، چاشنی کلام را داشته است، جدای از این تفاوت‌های ظاهری، آنچه که در تمام موارد فوق مشابه است این حقیقت می‌باشد که تصویر ارایه شده از زن در اکثر قریب به اتفاق، توسط مردان تعریف می‌شده که بیشتر جنبه تجریدی و ذهنی داشته است و از حیث در نظر نگرفتن حقیقت وجودی آنان به عنوان انسانی مستقل، موجودیت یافته و البته متفاوت با اندک تمایزی همه مشابه بودند. (بهبهان، ۱۳۸۹: ۱۹)

عدم حضور زنان در اجتماع و محدود شدن آنها به آنها اجازه نمی‌داد، که با شجاعت شعر بسرایند و اگر در این میان شعری گفته می‌شد، مردانه بود. با انقلاب مشروطه تحولاتی در زندگی زنان به وجود آمد و به نوعی به بیداری و آگاهی نسبی رسیدند، زن خود را پیدا کرد و لیاقت خود را فراتر از چهاردیواری خانه دید و خود را به عنوان جزئی از جامعه به ثبت رساند.

«شعر زن در ایران، از سده چهارم تا آغاز مشروطه، شعری به شدت منفعل، محدود، مقلد و سطحی‌نگر است. با بررسی شعر زن از آغاز تا پیش از مشروطه با رجوع به تذکره‌ها، به نام شمار زیادی از شاعران زن برمی‌خوریم که سواى شعرهایی با بن‌مایه‌ی تغزلی، آثاری ارزشمند و یا دست کم آثاری که از نوعی ویژگی و هویت متمایز بهره‌مند باشند، از ایشان باقی نمانده است. از جمله این شاعران می‌توان به عایشه سمرقندی (قرن ششم)، مطربه کاشغری، نهالی شیرازی (قرن نهم)، بی-

بی پرتوی، عصمتی سمرقندی، دلشاد (همسر فتحعلی شاه)، قمر السلطنه (دختر فتحعلی شاه)، خاور خانم (عروس فتحعلی شاه)، قمر قاجار (همسر ظل السلطان)، مریم خانم فراهانی (دختر میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی) و... اشاره کرد به موازات حضور اجتماعی زن در عرصه‌های فرهنگی از قبیل تأسیس مکتب‌خانه‌ها، جراید، تصدی پست‌هایی نظیر سردبیری مطبوعه‌ها و... زنان شاعر (عمدتاً از نخستین گروه زنان تحصیل کرده ایرانی) پایه عرصه گذاردند که از شعر پستوخانه‌ای رهیوند و ابعاد تازه‌ای از اندیشه اجتماعی و دغدغه‌های تاریخی را در شعرشان بازتاب دادند. در این دوره، آثار شاعرانی نظیر رباب اصفهانی، مه‌تاج رخشان، نیم‌تاج سلماسی، فخر عادل خلعتبری، شمس کسمایی، ژاله قائم مقامی و... مصداق آشکار طغیان اجتماعی زن ایرانی و نگاه دوباره‌ی او به خویشتن خویش است. (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۷-۱۶)

می‌توان گفت زنان شاعر سردمداران اعتراض بر ضد بی‌عدالتی‌ها و تشویق زن به سمت پیشرفت بودند. «شعر مؤنث فارسی را بدون در نظر گرفتن سنت شعر فارسی که سنتی مذکر است نمی‌توان مورد مرور و بررسی قرار داد، به‌ویژه آن‌که شعر مؤنث معاصر (مدرن) از منشور تحولاتی سیاسی-اجتماعی عبور می‌کند که نام نیما یوشیج بر صدر آن می‌درخشد.» (باباچاهی، ۱۳۸۶: ۱۵)

قبل از مشروطه زن آرّج و ارزش واقعی خود را پیدا نکرده بود و برای او کاری بالاتر از خانه-داری و بچه‌داری نمی‌شناختند، و حتی حضور او در اجتماع را ننگ می‌دانستند. «با آغاز نهضت مشروطه، جنبش‌های گوناگون زنان ایرانی، شکل گرفت. هر چند زنان نواندیش در شروع کار، با سختی‌های گوناگون روبه‌رو گشتند، اما همین حرکت باعث شد که بعدها زنان، خود و نقش اساسی خود در خانواده و اجتماع را بشناسند و برای رهایی از قید و بندهای دروغین اقدام نمایند. این تغییر نگرش را باید مدیون زنانی دانست که در عصر مشروطیت، جدّیت به خرج دادند و در برابر توهین و تهمت دیگران قد علم نمودند. زنان در این دوره به تکامل شخصیت خود اندیشیدند و از خانه‌ها

به اجتماع قدم نمودند تا اجازه ندهند هر قلم به دست و هر بی‌تعهدی در مورد آنان، هرگونه که خواست بنگارد». (یزدانی، ۱۳۸۷: ۱۱۷)

با آغاز مشروطه جنبشی شگرف در زندگی و ادبیات زنان می‌بینیم باباچاهی در این مورد می‌گوید: «جنبش مشروطه، خیزش‌های مردمی و روشنفکری را تشدید و طبقات مختلف مردم را به هم نزدیک کرد. از همین منظر هم صداهای معترض تکثیر و هم بر تکرر صداها افزوده شد. به‌رغم زن‌ستیزی-های پنهان و آشکار که گاه از جانب چهره‌های معتبر و از سوی برخی رهبران مشروطه مشاهده می‌شد، به تدریج حمایت از مظلومیت زنان ایرانی و حقوق اجتماعی او محور توجه قرار گرفت، به‌ویژه آن‌که در این میان زنان نیز بر شأن و جایگاه و حقوق اجتماعی- فرهنگی خود تأکید ورزیدند.» (باباچاهی، ۱۳۸۶: ۴۹)

انقلاب مشروطه بر فکر و شعر زنان تأثیر بسیاری گذاشت، و گامی بلند برای رسیدن به تحولاتی عمیق در این زمینه بود، «بعد از انقلاب مشروطه تا حدودی نگاه شاعران و نویسندگان نسبت به زن تغییر یافت و تحقیر زن، کمابیش از میان رفت، هرچند شکل آرمانی آن تحقق نیافت، اما در مقایسه با ادبیات پیشین تغییرات محسوس نمود. در این عصر تحولات عمیقی در شعر رخ داد شعر از شکل سنتی خود خارج شد و در راه تازه‌ای قدم نهاد. این تغییرات تنها در وزن و قافیه رخ نداد، بلکه از لحاظ نگرش و نگاه نیز، دگرگونی‌هایی حاصل شد، در میان نوگرایی در شعر پس از مشروطه، نام بانو شمس کسمایی مشاهده می‌شود. ایشان یکی از زنان فعال در ایجاد شعر نو بود که همراه تقی رفعت و جعفر خامنه‌ای در مجله‌ی تجدد و آزادیستان با نوشتن مقالات و اشعاری از رواج چنین نظریه‌ای حمایت کرد». (یزدانی، ۱۳۷۸: ۱۲۵)

در عصر مشروطه زنان شاعر و نویسنده نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند، «حضور بانو شمس کسمایی در برقراری روشی نو در شعر، از نقش زنان، در عصر مشروطه خبر می‌دهد. این خود زمینه‌ای شد برای زنان آینده، که خود را بیشتر در جامعه مطرح نمایند و در عرصه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی

اظهارنظر نمایند. برخلاف سده‌های گذشته که زنان شاعر و نویسنده به ندرت یافت می‌شدند، از این دوره به بعد، زنان بسیاری ظهور کردند که در سرودن و نگاشتن، مهارت زیادی از خود نشان دادند و کارکرد آنان از لحاظ ادبی اهمیت زیادی یافت. شاعران بزرگی چون فروغ فرخزاد، پروین اعتصامی، سیمین بهبهانی، طاهره صفارزاده، رقیه کاویانی، مهوش مساعد، ژیلا مساعد، فریده فرجام، نازلی امیر قاسمی از شاعران برجسته این سده به حساب می‌آیند». (همان / ۱۲۶)

در زمان معاصر ادبیات زنان تا حدودی راه پیشرفت و ترقی را در پیش گرفته و از زیر بار سلطه تقلید و سطحی‌نگری تا حدودی شانه خالی کرده است، «شعر زن در روزگار ما تحولات شگرفی داشته است به نحوی که از یک طرف شعر آن‌ها با شعر مردان تفاوت‌های زبانی و محتوایی دارد و از طرف دیگر در گستره‌ی شعر شاعران زن نیز یک دستی دیده نمی‌شود و هرکدام از این دسته از شاعران سبک ویژه‌ای در شعر زنانه دارند، مثلاً شعر پروین (۱۲۸۵-۱۳۲۰) ادامه صدای مردانه از زبان یک شاعر زن است اما صدای ژاله قائم‌مقامی (۱۲۶۲-۱۳۲۵) صدای زنی است که هر چند صدایش هنوز مردانه است اما از نظر درون‌مایه، بیانگر گلایه‌های زنان است و صدای فروغ (۱۳۱۳-۱۳۴۵) روشن‌ترین صدای زنانه در شعر روزگار ماست، او هم از نظر زبان و هم از نظر درون‌مایه کاملاً زنانگی خود را حفظ کرده است، صدای سیمین بهبهانی، صدای است که گاه از گلوی مردان برمی‌آید و گاه از گلوی شاعر، او میان سنت‌های فرهنگی شعر فارسی و نوآوری‌های فروغ در رفت و آمد است». (واعظ و دیگران، ۱۳۸۴ : ۷۴)

کسانی که سربلندی و پیشرفت زنان را خواستار بودند، در طول تاریخ سختی‌های زیادی کشیدند تا زنان را به درجه خودباوری برسانند و زنان تحصیل کرده از جمله اولین زنانی بودند، که در این راه سختی زیادی متحمل شدند اما بسیاری از زنان، آنقدر در دنیای محدود خود غوطه‌ور شده بودند و به آن دل‌خوش کرده بودند، که طول می‌کشید تا باور کنند که آنها هم عضوی از جامعه هستند و حق تصمیم‌گیری و درس خواندن را دارند.

«از قرن سیزدهم هجری به بعد نگرش تازه و متفاوتی در آثار شاعران و نویسندگان، ظهور دریافتن نوین را از زن نشان می‌دهد. دوره‌های که اندک‌اندک زنان نیز به شخصیت انسانی و مقام‌الهی خویش وقوف یافته و همراه با تحولات اجتماعی پذیرفته‌اند که نقش والاتر از فراهم کردن وسایل سرگرمی و راحتی مردان را در جامعه دارا هستند و به فراخور این درک، مردان نیز اندک‌اندک این مهم را کم و بیش پذیرفتند، هرچند بسیاری از زنان سختی‌های بسیاری را در راه اثبات وجود خویش متحمل شدند تا شرایط را برای حضور زنان در عرصه‌های مختلف فراهم آورند. اما متأسفانه شرایط غالب جامعه موجب شده عده‌ای کمی راه آنان را دنبال کنند. به هر روی با آغاز مشروطیت و هم-راستا با دگرگونی‌های تاریخی و عوامل بیرونی و درونی جامعه جهانی، زنان تحصیل کرده و جوانان دانش‌آموخته شرایط تحول اجتماعی و فرهنگی را فراهم کردند که البته در این دوره هجوم فرهنگ بیگانه با آداب و سنت‌های بومی، ملی و مذهبی بسیاری را از روند روبه رشد حقیقی باز داشته و سرگرم زرق و برق‌های تمدن نو نمود». (بهبهانی، ۱۳۸۹: ۲۰)

امروزه تا حدودی تلاش کسانی که پیشرفت زنان را در جامعه می‌خواستند به ثمر نشسته است، «به هر صورت، امروزه دیگر هم‌راستا با نقش زنان در جامعه از حضور پرشور و به یاد ماندنی شان در جنگ گرفته، که پایه پای مردان از شرف و کیان ایران زمین دفاع کردند، تا امروز که در عرصه-های متفاوت اجتماعی و سیاسی و فرهنگی به عنوان ستون و محور اصلی زندگی و استحکام بنیان خانوادگی حضور دارند شعر و ادبیات معاصر نیز حضوری پررنگ‌تر از آنان می‌طلبد و حضوری در سایه درکی درست از جنبه‌های مستقل و انسانی‌شان که در تضاد و تقابل با وجود مردانه هم نیست». (بهبهانی ۱۳۸۹: ۲۰)

به هر حال، شعر زن و حضور او در تاریخ ادبیات ایران، معمولاً تابع شرایط اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی و تحولات حاصل از آن بوده است. روزگاری ساختار فرهنگی و عرف اجتماعی، اجازه نمی‌داد زن، هنر خود را در بین اقشار مختلف جامعه آشکار سازد، ولی پس از مشروطه،

شاهد دگرگونی در عرصه مختلف اجتماعی، فرهنگی، ادبی و به تبع آن، تغییر نگرش جامعه در خصوص حضور زن در حوزه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی هستیم. بدیهی است حیات نوین اجتماعی، بر ذهن و اندیشه شاعران زن نیز تأثیرگذار است و آن‌ها را واداشت تا نسبت به واقعیت‌های پیرامون خود توجه نشان دهند و از مطالبات، خواسته‌ها، و دغدغه‌ها و مسائل خود و زنان سخن بگویند.

در این پایان‌نامه قصد بر آن است تا به تحلیل اشعار ژاله قائم‌مقامی و ژاله اصفهانی و به تبیین دیدگاه آن دو، در خصوص جایگاه زن پردازیم و بینیم مباحث مربوط به زنان، از نگاه آن‌ها کدامند و از چه شگردهای هنری در توجیه آن بهره برده‌اند.

فصل سوم

بررسی احوال و آثار عالم‌تاج
قائم‌مقامی (ژاله)

۳-۱- زندگی نامه عالمتاج قائم مقامی (ژاله) :

عالمتاج قائم مقامی متخلص به ژاله در آخرین روزهای ماه ربیع الثانی ۱۳۰۱ هجری قمری برابر با اسفند ۱۲۶۲ شمسی، در خاندانی مرفه و نیکنام چشم به جهان گشود. «پدرش میرزا فتح الله، نبیره میرزا ابوالقاسم قائم مقام وزیر معروف و شاعر و نویسنده دوره قاجاری، بود و مادرش مریم خانم دختر معین الملک، در خانواده متعین او دختران را به مکتب و معلم می سپردند، او نیز از پنج سالگی در خانه به درس خواندن پرداخت، کم کم فارسی و عربی را فراگرفت و چون استعداد و حافظه ای توانا نیز داشت به تدریج در آموختن صرف و نحو و معانی و بیان و منطق و نقد شعر و مقدمات حکمت و تا حدی هیئت توفیق یافت. علاقه دانش اندوزی و مطالعه تا پایان عمر در او باقی بود. دیوان شاعران، کتاب های ادبی و جز آن را با شوق و ذوق می خواند. در خلال اشعارش اشارتی دارد به آموخته و مطالعاتش. به علاوه تاثیر او از سبک پیشینیان مانند منوچهری، ناصر خسرو، خاقانی و مولوی و یا تضمین شعر آنان و نیز درج آیات قرآن کریم در شعرش همه حکایت دارد از غور او در کتب و مایه اش از فرهنگ و ادب ایران». (یوسفی، ۱۳۸۸: ۴۲۶)

به طوری که از نوشته ها برمی آید ژاله از همان اوایل شخصیتی متفکر و گوشه گیر داشت، و در تنهایی خود به دنبال روزنی از امید بود، «او از آغاز زندگی بیشتر به تنهای می گرایید و از درآمیختن با جمع گریزان بود، از پشت نگاهی تیره به جهان می نگریست و اگرچه در محیطی مرفه رشد می کرد اما هوای زندگانی اش بیشتر ابری و بارانی می نمود». (فرخزاد، ۱۳۸۰: ۱۸۹)

با این که در خانواده ای مرفه زندگی می کرده است، اما آن شرایط نمی توانسته است رضایت او را فراهم کند. «تا پانزدهمین سال زندگانی را در قصبه فراهان املاک پدری بسر برده، اوقاتش صرف